

رابطه سن ورود به پایه اول با پیشرفت تحصیلی، سازش‌یافتگی اجتماعی و میزان خلاقیت در دانش‌آموزان پایه‌های دوم و پنجم ابتدایی، سوم راهنمایی و سوم متوسطه شهر تهران

افسانه مقامع
دکتر غلامعلی
افروز
دکتر سوسن
سیف
دکتر منصورعلی
حمیدی

چکیده

مقایسه دستاوردهای شناختی، اجتماعی و رفتاری دانش‌آموزانی که با سن‌های متفاوت آغاز به تحصیل نموده‌اند در دوره‌های گوناگون تحصیلی می‌تواند به بازنگری در سیاست‌های کنونی آموزش و پرورش در زمینه سن ورود به مدرسه کمک کند و زمینه را برای دگرگونی و بهبود فراهم نماید. به این منظور تعداد ۸۷۲ دانش‌آموز متولد نیمه اول و دوم سال در پایه‌های دوم و پنجم ابتدایی، سوم راهنمایی و سوم دبیرستان به شیوه تصادفی انتخاب شدند. دانش و مهارت‌های خواندن و نوشتن و ریاضی در هر پایه با مقیاس‌های پژوهشگر ساخته مورد ارزیابی قرار گرفت. آزمون خلاقیت تورنس و سازگاری اجتماعی گریدی نیز به کار گرفته شد، سپس میانگین‌های به دست آمده با آزمون من ویتنی مقایسه شدند. نتایج نشان دهنده آن بود که در تمام پایه‌های بررسی شده، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان متولد نیمه اول، کمتر از پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال است. همچنین کودکانی که با سن کمتر مدرسه را آغاز می‌کنند در ابتدای تحصیل (پایه دوم) با خود ناسازگارتر از آنهایی هستند که با سن بیشتر تحصیل را آغاز کرده‌اند، اما این تفاوت در پایه‌های بعدی از بین می‌رود. هر چند در سایر پایه‌های بررسی شده، دانش‌آموزان متولد نیمه اول سال از نظر اجتماعی ناسازگارتر از گروه دیگر می‌نمایند، اما این تفاوت معنادار نیست.

کلیدواژه‌ها : پیشرفت تحصیلی، سازش‌یافتگی اجتماعی، خلاقیت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

گام نهادن به مدرسه دگرگونی عظیمی در زندگی کودک است. او از محیط کوچک و محدود خانه پا به دنیای وسیع تری می‌گذارد و دامنه ارتباط‌های اجتماعی او گسترش می‌یابد. نوآموز نه تنها باید خود را با شرایط جدید هماهنگ کند، بلکه باید با دیگران هم ارتباط خوبی برقرار نماید، قوانین مدرسه را رعایت کند؛ برخی از وابستگی خود را کنار بگذارد و به کسب مهارت‌های آموزشگاهی نیز پردازد.

آغاز تحصیل رسمی کودکان برای پدر و مادرها نگرانی‌هایی به دنبال دارد. اولیا از یک سو مشتاق آغاز دوره جدیدی در زندگی فرزند خود هستند و بی‌صبرانه در انتظارند تا شاهد موفقیت‌های او باشند و از سوی دیگر نگرانند که آیا مدرسه تجربه‌های مثبت و سودمندی را برای کودکانشان به همراه خواهد داشت؟ آیا فرزند آنها آمادگی لازم را برای ورود به دنیای جدید دارد؟ آیا می‌تواند انتظاراتی را که از او دارند به خوبی برآورد؟ "مسئله آمادگی دانش‌آموز، هرچند ممکن است بدیهی فرض شود، اما بسیار قابل اهمیت است. هنوز هم در بسیاری از موارد دیده می‌شود که معلم از دانش‌آموز رفتاری را توقع دارد که از او ساخته نیست. باید به خاطر داشت که اگر دانش‌آموز برای یادگیری موضوعی آمادگی نداشته باشد، معلم هر قدر در آموزش آن موضوع جدیت به خرج دهد، موفق نخواهد شد" (سیف، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲).

برای ورود به مدرسه لازم است که کودک از نظر جسمانی، عاطفی، اجتماعی و شناختی آمادگی داشته باشد. کودکی که هنوز به جو عاطفی خانواده وابسته است، ممکن است که نتواند خود را با شرایط تازه سازگار کند و در نتیجه دچار مشکلات عاطفی و رفتاری گردد و چه بسا که این مشکل در سال‌های بعد نیز با او همراه باشد. این که کودک برای یادگیری و شناختن دانش باید آمادگی داشته باشد، غیر قابل انکار است، چه اگر بدون آمادگی به این مهم پردازد، خطرهایی پیش رو خواهد داشت. بنا بر گفته ل. فرانسوا (۱۹۸۸)^۱ اگر کودک به رشد شناختی لازم برای درک مفاهیمی که در کتاب‌های درسی کودکان مطرح شده دست نیافته باشد، در یادگیری این مفاهیم با مشکل روبرو می‌شود. به علاوه یادگیری‌های بعدی او بر پایه یادگیری‌های قبلی شکل نمی‌گیرد. کودک نمی‌تواند پیوندی بین مطالب یاد گرفته شده برقرار نماید، در نتیجه یادگیری اش معنادار نیست و سطحی و طوطی وار خواهد بود.

اثر تجربه‌های آموزشگاهی بر کارکردهای مختلف کودکان مورد توجه روان‌شناسان بسیاری بوده است. از آن جمله می‌توان به بلوم^۲ (۱۹۸۲) اشاره کرد. او معتقد است تجربه‌های موفقیت آمیز و شکست آمیز کودکان در سال‌های نخست یادگیری آموزشگاهی بسیار با اهمیت است. اگر دانش‌آموز در انجام کارهای آموزشی با شکست

۱. Lefrancois

۲. Bloom

روبه رو شود، به احتمال زیاد با تکلیف بعدی با نوعی عاطفه منفی رو به رو خواهد شد و با افزایش تجربه‌های منفی و شکست‌های پی در پی، این عاطفه نیز گسترش می‌یابد. همچنان که تجربه‌های همراه با شکست، بیشتر می‌شود، بی‌علاقگی و بی‌میلی نسبت به درس و یادگیری در یادگیرنده ایجاد می‌شود و در نتیجه او نسبت به توانایی‌های خود تصور منفی پیدا می‌کند. این امر، رفتار ناسازگارانه و نامطلوب را در پی خواهد داشت. به اعتقاد او موفقیت و شکست مکرر در مدرسه، فرد را به مفهوم ثابتی از توانایی‌های خود می‌رساند و بر سبک زندگی و سلامت روانی او تأثیر می‌گذارد. بیلر^۱ (۱۹۹۴) نیز به این مهم پرداخته و چنین بیان می‌کند که اگر فرد در خود احساس توانمندی و ارزش نکند و خود را ناچیز بداند بر عملکردش تأثیر منفی می‌گذارد، و اگر موفقیتی به دست آورد آن را ناشی از شانس می‌داند نه توانایی‌های خود. تجربه‌های آموزشی باید به گونه‌ای باشند که دانش‌آموز به احساس ارزشمند بودن دست یابد. اگر کودک قبل از کسب آمادگی لازم وادار به یادگیری شود، ممکن است احساس سرخوردگی کند. بیلر بر این باور است که اگر کودکان در هنگام شروع به تحصیل آمادگی لازم را نداشته باشند با شکست رو به رو می‌شوند و این شکست سال‌های بعد نیز ادامه خواهد یافت. سیف (۱۳۸۲) معتقد است اگر از دانش‌آموز انتظار داشته باشند بیش از توان خود بکوشد و فرصت تجربه و آموختن طبیعی را به او ندهند، کودک نسبت به توانایی‌های خود اعتماد لازم را به دست نخواهد آورد. به نظر سلیگمن^۲ (۱۹۷۵) تجربه‌های شکست آمیز احساس ناتوانی و درماندگی در فرد به وجود می‌آورد و این احساس به موقعیت‌های دیگر نیز تعمیم می‌یابد، فرد دچار درماندگی آموخته شده می‌شود و به دنبال آن ناامید، گوشه‌گیر و افسرده می‌گردد.

هریس^۳ (۱۹۹۸) یکی از موانع خلاقیت را درماندگی آموخته شده می‌داند. انسان با این تصور که توانایی انجام کاری را ندارد از تلاش خود می‌کاهد و برای انجام هر کار به دیگران تکیه می‌کند و به آنها بیش از خود اعتماد دارد. تورنس^۴ (۱۹۹۸) می‌گوید کودک یا نوجوانی که نیازهای اولیه و اساسی او به گونه‌ای شایسته برطرف نشده، چگونه می‌تواند بن بست‌های محیط و جامعه اش را بشکافد. او توصیه می‌کند از درگیر کردن زودرس کودکان با برنامه‌های درسی و اعمال هرگونه فشار جسمی، ذهنی، عاطفی و روانی بر آنها پرهیز شود و بیشتر به شیوه‌های برانگیختن حس کنجکاوی کودکان توجه شود. افروز (۱۳۷۲) نیز بی‌توجهی به قدرت فوق العاده ذهنی کودک و انباشتن آن با مجموعه‌ای از اطلاعات و مهارت‌های ذهنی و هدایت بیش از موقع کودک به یادسپاری معلومات آزمایشگاهی را مانع رشد

۱. Beiehler
 ۲. Seligman
 ۳. Harris
 ۴. Torance

خلاقیت می‌داند. به اعتقاد افروز (۱۳۸۳) سن ورود به مدرسه سن بسیار حساسی در خصوص با خلاقیت‌های ذهنی است. تأکید بر به یادسپاری و برنامه‌های هماهنگ و انتظار رفتار یکسان از دانش‌آموزان از عواملی هستند که می‌توانند سبب کاهش قدرت خلاقیت در کودکان گردند.

رشد جسمانی، عاطفی، اجتماعی و شناختی تابعی از سن است. با افزایش سن و در پی آن، رشد شناختی و کسب تجربه‌های بیشتر، بینش اجتماعی کودک نیز گسترش می‌یابد (احدی، ۱۳۷۱). یکی از مسائلی که آموزش و پرورش ایران با آن روبه‌رو است، تعیین سن ورود دانش‌آموزان به کلاس اول است. هر چند آموزش پیش از دبستان، تحصیلات پدر و مادر، درآمد خانواده و... در آمادگی کودکان موثر است، اما سن، ملاکی است که برای پذیرش کودکان در کلاس اول به کار می‌رود. فرض بر آن است که کودکان هم سن توانایی‌های یکسانی دارند. از این رو آموزش و پرورش هر کشور سنی را برای ورود کودکان به مدرسه و آغاز آموزش و پرورش رسمی تعیین کرده است.

در آیین نامه اجرایی مدارس ایران (۱۳۷۹) حداقل سن ثبت نام در پایه اول، شش سال تمام تعیین شده است. با این فرض که اکثر کودکان قبل از این سن آمادگی کافی برای یادگیری ندارند، راه ورود به دوره آموزش همگانی به روی کودکانی که در آغاز سال تحصیلی شش سال تمام نداشته باشند، بسته شده است. به احتمال زیاد این تصمیم برای جلوگیری از ائتلاف نیرو و سرمایه و نیز آسیب‌های احتمالی گرفته شده است، زیرا کودکانی که به آمادگی‌های لازم برای یادگیری دست نیافته باشند با مشکلاتی در یادگیری رو به رو خواهند شد. با تعیین لزوم داشتن شش سال تمام در روز اول مهرماه برخی کودکان با اختلاف سنی ۱۲ ماه به مدرسه می‌روند، زیرا متولدین نیمه دوم سال، حتی اگر متولد اول مهر باشند باید یک سال تمام برای ورود به کلاس اول صبر کنند و در نتیجه اول مهر سال بعد که اجازه ورود به مدرسه خواهند یافت در سن هفت سالگی مدرسه را آغاز می‌کنند.

اگر در مورد عدم موفقیت و آسیب پذیری متولدین مهرماه و بعد از آن نگرانی وجود دارد آیا نباید این نگرانی شامل متولدین شهریور و حتی قبل از آن نیز گردد؟ آیا کودکانی که متولد ۳۱ شهریور هستند و یک سال از آن‌هایی که متولد اول مهر هستند، کوچکترند، توانمندی‌های یکسانی دارند و به یک اندازه از آموزش بهره می‌برند؟ یک سال اختلاف سن در کودکان می‌تواند تفاوت زیادی را در کارکردهای آنها موجب شود. اگر این تفاوت آنقدر زیاد باشد که در تجربه‌های آموزشگاهی آنها تأثیرگذار باشد، بنا بر نظر اریکسون، سلیگمن، بلوم، بیلر، هریس و تورنس که قبلاً به آنها اشاره شد، می‌توان کارکردهای متفاوتی در آنها مشاهده نمود. اگر رشد شناختی کودکان در حدی نباشد که بتوانند مفاهیم پیش بینی شده را بیاموزند، یادگیری آنها سازنده نخواهد بود، بلکه متکی به دیگران و بدون استقلال رای خواهند شد، سلامت روانی آنها به خطر می‌افتد،

ناسازگار می‌شوند و امکان دارد که خلاقیت در آنها تضعیف گردد. اگر دستاوردهای دانش‌آموزانی که با سن‌های متفاوت مدرسه را آغاز می‌کنند با یکدیگر تفاوت داشته باشد، آیا لزومی دارد که کودکان با تفاوت سنی یک سال به کلاس اول وارد شوند؟ آیا همانگونه که گیگن^۱ (۱۹۹۷) پیشنهاد می‌کند می‌توان این تفاوت را کاهش داد و به جای پذیرش کودکان با یک سال تفاوت سنی در اول مهرماه، آنها با اختلاف سن شش ماه و دو بار در سال برای ورود به کلاس اول پذیرفته شوند؟ از سوی دیگر یک سال یا شش ماه تفاوت سن ممکن است برای پسرها تفاوت بیشتری را نسبت به دخترها در پی داشته باشد، زیرا به گفته تیلور^۲ (۱۹۹۴) رشد عصبی پسرها آهسته‌تر از دخترها صورت می‌گیرد. همچنین پسرها دیرتر از دخترها به سن بلوغ می‌رسند. اکنون این سؤال‌ها پیش می‌آید: آیا پسرها و دخترها در یک سن و همزمان آماده ورود به پایه اول هستند و عملکردشان یکسان است؟

آیا سن دانش‌آموزان، هنگام ورود به مدرسه بر تجربه‌های آموزشی آنها تأثیر می‌گذارد؟ آیا شروع به تحصیل در سن‌های متفاوت، دستاوردهای شناختی، اجتماعی و رفتاری متفاوتی در پی دارد؟ آیا بین دانش‌آموزانی که در شش سالگی مدرسه را آغاز کرده‌اند و محصلانی که در شش و نیم یا هفت سالگی شروع به تحصیل نموده‌اند از نظر شناختی، عاطفی و رفتاری در پایه‌های تحصیلی گوناگون تفاوت وجود دارد؟ آیا بین پیشرفت تحصیلی، سازش یافتگی اجتماعی و میزان خلاقیت دانش‌آموزانی که با سن متفاوت، مدرسه را آغاز نموده‌اند، تفاوت وجود دارد؟ آیا خصوصیات چون میزان خلاقیت، سازش یافتگی اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در بین دخترها و پسرهایی که مدرسه را با سن متفاوت شروع کرده‌اند، تفاوت وجود دارد؟

اگر به دلیل عدم آمادگی جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی، اولین تجربه‌های کودک به گونه‌ای باشد که در مورد توانایی‌های خود دچار تردید شود، نه تنها انگیزه پیشرفت که سلامت روان او نیز کاهش می‌یابد، رفتاری ناسازگارانه خواهد داشت و از نوآوری می‌گریزد (اسچوینهارت^۳، ۱۹۹۷؛ دی تار^۴، ۲۰۰۳) و به عنوان کسی که دارای اختلال یادگیری است برچسب زده می‌شود (ریچمن^۵، ۲۰۰۲). برای پیشگیری از آسیب‌های احتمالی یاد شده و برای آنکه کودکان به هنگام آغاز یادگیری رسمی از رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی لازم برخوردار باشند، و از سویی از آن جهت که سن، عمده‌ترین ملاک برای پذیرش کودکان در پایه اول

۱. Guignon
۲. Taylor
۳. Schweinhart
۴. Datar
۵. Richman

دبستان است، ضرورت داشت پژوهشی در مورد رابطه سن آنان در هنگام شروع به تحصیل با کارکردهای مختلف آنان انجام شود. هدف از پژوهش حاضر پی بردن به رابطه سن شروع به تحصیل دانش‌آموزان با کارکردهای مختلف آنها است. وزارت آموزش و پرورش می‌تواند با استفاده از یافته‌های پژوهش در مورد سن آغاز تحصیل و ورود کودکان به پایه اول، ضوابط جدیدی در نظر گیرد و از افت تحصیلی آنها و زبان‌های معنوی و مالی جلوگیری کند و در رسیدن به اهداف خود موفق شود.

پرسش پژوهش

آیا پیشرفت تحصیلی، خلاقیت و سازش یافتگی اجتماعی دانش‌آموزان متولد نیمه نخست سال با پیشرفت تحصیلی، خلاقیت و سازش یافتگی اجتماعی دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال تفاوت دارد؟

روش‌ها

چون پژوهش در پی بررسی رابطه سن ورود دانش‌آموزان به پایه اول و کارکردهای شناختی، عاطفی و اجتماعی آنان در دوره‌های مختلف آموزشی است؛ و به علت محدودیت‌های زمانی و مالی، انجام پژوهش طولی میسر نبود؛ از این رو برای پاسخ دهی به سؤالاتی تحقیق از پژوهش مقطعی استفاده گردید و از هر یک از دوره‌های آموزشی، دانش‌آموزانی انتخاب شدند. از آن جهت که این دانش‌آموزان قبلاً وارد مدرسه شده اند و پس از گذشت چند سال، کارکردهای آنها مقایسه می‌شود. بنابراین، این پژوهش پس رویدادی و نوع آن علی-رویدادی است (دلاور، ۱۳۸۰).

روش نمونه‌گیری

جامعه مورد پژوهش، دانش‌آموزان دختر و پسر شهر تهران بود. از آن جهت که پژوهش در پی مطالعه اثر سن ورود به پایه اول در آغاز تحصیل و نیز در پایان مقطع‌های مختلف تحصیلی بود، بنابراین جامعه دانش‌آموزان پایه دوم و پنجم ابتدایی، سوم راهنمایی و سوم متوسطه به عنوان جامعه پژوهش انتخاب شدند.

برگزیدن دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی از آن جهت صورت گرفت که این دانش‌آموزان یک سال تحصیلی را پشت سر گذاشته بودند و برای سنجش پیشرفت تحصیلی آنها، بهره گرفتن از آموخته‌هایشان امکان پذیر بود. گفتنی است دانش‌آموزانی که زودتر از شش سالگی به مدرسه رفته بودند و دانش‌آموزانی که جهش تحصیلی داشتند، از گروه نمونه حذف گردیدند. برای انتخاب نمونه مورد مطالعه ابتدا از بیست درصد مناطق آموزشی شهر تهران، چهار منطقه ۱، ۷، ۹ و ۱۴ از بین ۱۹ منطقه به شیوه تصادفی انتخاب شدند؛ سپس یک درصد از مدرسه‌های این مناطق نیز به صورت تصادفی انتخاب گردید. از آن

جهت که تعداد مدرسه‌ها در منطقه‌های موردنظر کمتر از صد بود، از این رو از هر یک از این منطقه‌ها یک مدرسه دخترانه و پسرانه ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به صورت تصادفی انتخاب شد، آنگاه از این مدرسه‌ها یک پایه دوم و پنجم در دبستان، یک پایه سوم راهنمایی و یک پایه سوم متوسطه به قید قرعه انتخاب گردید؛ داده‌های مورد نیاز از دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در این پایه‌ها اخذ شد. یادآوری می‌شود که از بین سه رشته تحصیلی ریاضی-فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی در دبیرستان، رشته تحصیلی ریاضی-فیزیک، علوم تجربی و انتخاب گردید؛ این نمونه دربرگیرنده ۸۷۲ دانش‌آموز بود که ۱۱۳ دختر و ۱۰۱ پسر در پایه دوم ابتدایی، ۱۲۰ دختر و ۱۰۸ پسر پایه پنجم ابتدایی، ۱۰۴ دختر و ۱۰۲ پسر پایه سوم راهنمایی و ۱۰۶ دختر و ۱۱۸ پسر پایه سوم متوسطه را شامل می‌شد.

روش ابزار سازی

پرسش نامه اطلاعات مربوط به دانش‌آموزان: این پرسش نامه توسط پژوهشگر تهیه شد که شامل اطلاعاتی در مورد سن دانش‌آموزان هنگام ورود به پایه اول، سواد پدر و مادر، چندمین فرزند خانواده، سابقه تکرار پایه، و جهش تحصیلی بود که بخشی از آن توسط خود دانش‌آموزان و بخش دیگری نیز به وسیله پژوهشگر از طریق مراجعه به پرونده تحصیلی آنها تکمیل شد.

آزمون پیشرفت تحصیلی برای درس‌های پایه (خواندن و نوشتن و ریاضی) که توسط پژوهشگر ساخته شد. با در نظر گرفتن هدف‌های آموزشی و محتوای کتاب‌های درسی هر پایه آزمون‌ها تهیه، و پس از نظرخواهی از معلم‌های همان درس‌ها بر روی دانش‌آموزان یک کلاس (دوم و پنجم ابتدایی، سوم راهنمایی و سوم متوسطه) اجرا گردید و پس از برطرف کردن اشکال‌های موجود در مورد نمونه‌های موردنظر با شرایط یکسان اجرا شد. ضریب پایایی برای هر یک از آزمون‌ها محاسبه گردید. پایایی آزمون خواندن و نوشتن برای پایه دوم ابتدایی ۰/۹۴، پنجم ابتدایی، ۰/۹۳، سوم راهنمایی ۰/۹۳، سوم دبیرستان ۰/۹۵ و پایایی آزمون ریاضی پایه دوم ابتدایی ۰/۹۲، پنجم ابتدایی ۰/۹۳، سوم راهنمایی ۰/۹۳ و سوم دبیرستان نیز ۰/۹۵ است.

آزمون خلاقیت تورنس: برای پی بردن به میزان خلاقیت دانش‌آموزان از آزمون خلاقیت تورنس (پایایی ۰/۶۳ و روایی ۲/۶، امامی‌پور ۱۳۸۱) استفاده شد.

آزمون سازگاری گریدی: از این آزمون (پایایی ۰/۶۳ و روایی ۰/۳۹، رهبری، ۱۳۷۴) برای دستیابی به اطلاعاتی در مورد سازش یافتگی اجتماعی دانش‌آموزان استفاده شد. این آزمون میزان سازگاری فرد با خود را نیز به دست می‌دهد.

روش داده گیری

برای پاسخ دهی به پرسش‌های پژوهش به سه مجموعه داده در

زمینه‌های پیشرفت تحصیلی، سازش یافتگی اجتماعی و میزان خلاقیت در دانش‌آموزان دختر و پسر متولد نیمه‌های اول و دوم سال آموزشی در چهار پایه مختلف تحصیلی نیاز بود. به این ترتیب شانزده گروه یکبار داده گیری شد و تفاوت‌های آنها بررسی گردید. به کمک یک دستیار خانم و یک آقا با تحصیلات کارشناسی ارشد، داده گیری از دانش‌آموزان دختر و پسر انجام شد. آزمون سازگاری در پایه دوم ابتدایی به صورت انفرادی اجرا شد، به این ترتیب که پرسش‌ها برای دانش‌آموزان خوانده می‌شد و پاسخ موردنظر آنها مشخص می‌گردید. سایر آزمون‌ها در تمام پایه‌ها به صورت گروهی و با شرایطی یکسان اجرا شد.

بر اساس نظریه‌های روان‌شناسان و برخی یافته‌های پژوهشی، پژوهشگر بر این گمان بود که پیشرفت تحصیلی، خلاقیت و سازش یافتگی دانش‌آموزان متولد نیمه اول سال (افراد) که با سن کمتری مدرسه را آغاز کرده اند) کمتر از دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال است.

روش پردازش

در پژوهش حاضر داده‌ها کمی پیوسته و گروه‌های بررسی شده مستقل بودند. از آن جهت که انگاره‌های ایده آل بنیادین استفاده از آزمون آماره ای تحلیل واریانس برقرار نبود، زیرا پژوهشگر جنس و ماه تولد آزمودنی‌ها را در اختیار نداشت و در نتیجه جایگزینی آنها در گروه‌های مقایسه شده به صورت تصادفی نبود، بنابراین برای مقایسه خواندن و نوشتن، ریاضی، خلاقیت، سازگاری با خود و سازش یافتگی اجتماعی دانش‌آموزان متولد نیمه‌های اول و دوم سال آموزشی از آزمون ناآماره ای من ویتنی^۱ استفاده شد. چون حجم نمونه‌ها بیش از ۲۰ نفر است بنابراین U به Z تبدیل شد (کوهن^۲، ۱۹۹۳). نتایج به دست آمده از هر پایه تحصیلی در جدول‌های جداگانه آورده شده است. برای مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متولد نیمه اول و دوم سال، میزان تکرار پایه آنها نیز بررسی شد. از آن جهت که داده‌ها کمی اسمی است از آزمون χ^2 استفاده گردید (همان منبع).

یافته‌ها

جدول ۱- خلاصه نتایج آزمون من ویتنی برای مقایسه میانگین‌های پیشرفت تحصیلی

در خواندن و نوشتن، ریاضی، خلاقیت، سازگاری با خود و سازش یافتگی اجتماعی

دانش‌آموزان متولد نیمه اول و دوم سال در پایه دوم ابتدایی

کارکردها	خواندن و	ریاضی	خلاقیت	سازگاری	سازش
----------	----------	-------	--------	---------	------

۱. Mann-Whitney

۲. Cohen

یافته‌ها	نوشتن		با خود	یافتگی اجتماعی
میانگین رتبه ای نیمه اولی‌ها	۹۳/۸۸	۸۹/۹۳	۹۳/۳۹	۱۰۶/۸
میانگین رتبه ای نیمه دومی‌ها	۱۱۷/۹۹	۱۲۱/۵۹	۱۱۸/۴۳	۱۰۶/۲۳
Z محاسبه شده	۲/۸۶	۲/۷۶	۲/۹۶	۱/۹۹

در مقایسه مقدار محاسبه شده (۲/۸۶، ۹۶/۷۶، ۹۹/۳، ۱/۲ و ۰/۰۶۸) با مقدار مندرج در جدول (۱/۶۴، کوهن، ۱۹۹۳) می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفت که پیشرفت تحصیلی در خواندن و نوشتن، خلاقیت و سازگاری با خود دانش‌آموزان متولد نیمه اول در پایه دوم ابتدایی به طور معناداری کمتر از دانش‌آموزان متولد شده در نیمه دوم سال است، اما تفاوت میانگین‌های سازش یافتگی اجتماعی مشاهده شده در دانش‌آموزان متولد نیمه اول و دوم سال در پایه دوم ابتدایی معنادار نیست.



جدول ۲- خلاصه نتایج آزمون من ویتنی برای مقایسه میانگین‌های پیشرفت تحصیلی در خواندن و نوشتن، ریاضی، خلاقیت، سازگاری با خود و سازش یافتگی اجتماعی دانش‌آموزان متولد نیمه‌های اول و دوم سال در پایه پنجم ابتدایی

کارکردها داده‌ها	خواندن و نوشتن	ریاضی	خلاقیت	سازگاری با خود	سازش یافتگی اجتماعی
میانگین رتبه ای نیمه اولی‌ها	۹۶/۴۸	۹۹/۸	۱۰۷/۸۳	۱۱۶/۵۲	۱۱۷/۴۶
میانگین رتبه ای نیمه دومی‌ها	۱۳۵/۶	۱۳۷/۷۲	۱۳۲/۳۲	۱۱۲/۱۲	۱۱۱/۰۳
Z محاسبه شده	۴/۴۶	۳/۶۴	۱/۶۵	۰/۵۰	۰/۷۳

در پایه پنجم ابتدایی نیز می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفت که پیشرفت تحصیلی خواندن و نوشتن، ریاضی و خلاقیت در دانش‌آموزان متولد نیمه اول به طور معناداری کمتر از پیشرفت تحصیلی در خواندن، ریاضی و خلاقیت دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال است، اما تفاوت مشاهده شده در سازگاری با خود و سازش یافتگی اجتماعی معنادار نیست.

جدول ۳- خلاصه نتایج آزمون من ویتنی برای مقایسه میانگین‌های پیشرفت تحصیلی در خواندن و نوشتن، ریاضی، خلاقیت، سازگاری با خود و سازش یافتگی اجتماعی دانش‌آموزان متولد نیمه اول و دوم سال در پایه سوم راهنمایی

کارکردها داده‌ها	خواندن و نوشتن	ریاضی	خلاقیت	سازگاری با خود	سازش یافتگی اجتماعی
میانگین رتبه ای نیمه اولی‌ها	۸۲/۰۶	۸۴/۱۳	۹۴/۱۷	۱۰۶	۱۰۴/۳۱
میانگین رتبه ای نیمه دومی‌ها	۱۲۷/۵۹	۱۳۵/۳۵	۱۱۳/۹۸	۱۰۰/۶۹	۱۰۲/۷۱
Z محاسبه شده	۵/۴۷	۲/۲۸	۲/۳۸	۰/۶۴	۰/۱۸

با توجه به نتایج به دست آمده از دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفت که در این پایه نیز چون پایه‌های گذشته پیشرفت تحصیلی در خواندن و نوشتن، ریاضی و خلاقیت در دانش‌آموزان متولد نیمه اول به طور معناداری پایین تر از پیشرفت تحصیلی در خواندن و نوشتن، ریاضی و خلاقیت دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال است، اما تفاوت در سازگاری با خود و سازش یافتگی اجتماعی مشاهده شده معنادار نیست.

جدول ۴- خلاصه نتایج آزمون من ویتنی برای مقایسه میانگین‌های پیشرفت تحصیلی در خواندن و نوشتن، ریاضی، خلاقیت، سازگاری با خود و سازش یافتگی اجتماعی

دانش‌آموزان متولد نیمه اول و دوم سال در پایه سوم متوسطه

کارکردها	خواندن و نوشتن	ریاضی	خلاقیت	سازگاری با خود	سازش یافتگی اجتماعی
میانگین رتبه ای نیمه اولی‌ها	۹۱/۷۵	۸۳/۴۵	۹۸	۱۱۵/۰۱	۱۱۴/۴۵
میانگین رتبه ای نیمه دومی‌ها	۱۳۴/۷۵	۱۳۷/۷۳	۱۳۷/۷۳	۱۰۸/۶۱	۱۰۹/۳۴
Z محاسبه شده	۴/۹۷	۳/۴۳	۳/۴۳	۰/۷۴	۰/۶۰۲

در مقایسه نتایج به دست آمده (۴/۹۷، ۳/۴۳، ۳/۴۳ و ۰/۷۴) و (۰/۶۰۲) با مقدار جدول (۱/۶۴) با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که پیشرفت تحصیلی در خواندن و نوشتن و خلاقیت دانش‌آموزان متولد نیمه اول سال در پایه سوم متوسطه به طور معناداری پایین تر از دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال است. همچنین، نتایج بیانگر آن است که هر چند در میزان سازش یافتگی آنها نیز تفاوت وجود دارد، ولی این تفاوت معنادار نیست. برای مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، میزان تکرار پایه در دانش‌آموزان متولد نیمه اول و دوم سال نیز بررسی شد.

جدول ۵- فراوانی و درصد دانش‌آموزانی که تکرار پایه داشته اند در پایه‌های مختلف تحصیلی

پایه تحصیلی	دختر		پسر		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
	نیمه اول	نیمه دوم	نیمه اول	نیمه دوم				
دوم ابتدایی	—	—	—	—	—	—	—	—
پنجم ابتدایی	۱	۱/۶	۲	۱/۷	۳/۳	—	—	—
سوم راهنمایی	۶	۱۳/۰	۸	۱/۷	۱۴/۷	۲	۵/۱	—
سوم دبیرستان	۱۰	۱۸/۹	۱۱	۱۵/۴	۱۶/۹	۵	۹/۴	—
جمع	۱۷	۳۳/۵	۲۵	۱۸/۸	۴۲/۴	۷	۱۴/۵	—

نتایج جدول ۵ نشان دهنده آن است که تکرار پایه در دانش‌آموزان متولد نیمه اول بیش از نیمه دومی‌ها است. از آزمون خي دو با تصحیح يتس نیز برای مقایسه میزان تکرار پایه در دانش‌آموزان استفاده شد. مقدار خي دو برای مقایسه میزان تکرار پایه در دانش‌آموزان متولد نیمه اول و نیمه دوم سال برابر با ۹/۷۶ و برای مقایسه میزان تکرار پایه در دانش‌آموزان پسر متولد نیمه اول و دوم سال برابر با ۹ محاسبه شد. چون مقدار محاسبه شده در هر دو بررسی از مقدار خي دو جدول با

درجه آزادی ۱ و احتمال خطای ۵ درصد (۳/۸۴) بزرگتر است، بنابراین فرض صفر، یعنی برابری تجربه تکرار پایه در دانش‌آموزان متولد نیمه اول و دوم سال رد می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه می‌گیریم که تکرار پایه در دانش‌آموزان متولد نیمه اول سال بیش از نیمه دومی‌ها است. مقدار خي دو براي مقایسه میزان تکرار پایه در دخترهاي متولد نیمه اول و دوم سال برابر ۱/۳۲ محاسبه شد. چون این مقدار از مقدار خي دو جدول با درجه آزادی ۱ و با احتمال خطای ۵ درصد (۳/۸۴) کوچک تر است، فرض صفر، یعنی برابری تعداد دانش‌آموزان دختر متولد نیمه اول و دوم سال که تکرار پایه داشته اند حمایت می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان می‌گیریم که تجربه تکرار پایه در دانش‌آموزان دختر متولد نیمه اول و دوم سال یکسان است.

جمع‌بندی و نتیجه گیری

در پاسخ به پرسش پژوهش براساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متولد نیمه اول سال در پایه‌های دوم و پنجم ابتدایی، پایه سوم راهنمایی و پایه سوم متوسطه به طور معناداری پایین تر از دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال است. تکرار پایه نیز در دانش‌آموزان متولد نیمه اول سال بیش از نیمه دومی‌ها است. این یافته در جهت حمایت از یافته‌های ریچمن (۲۰۰۲)، ری و^۱ (۲۰۰۳)، فین^۲ (۲۰۰۵)، هرنن دز^۳ (۱۹۹۷)، هالوی^۴ (۲۰۰۳)، مک کله لند^۵ (۲۰۰۰)، مک گراند^۶ (۲۰۰۲) و شریفی (۱۳۷۵) است. تکرار پایه در پسرهایی که با سن کمتر تحصیل را آغاز می‌نمایند بیش از دخترهاست و پیشرفت تحصیلی آنها نیز کمتر از دخترهایی است که با سن کم تحصیل را آغاز می‌کنند. این یافته نیز در جهت حمایت از یافته‌های ناراهارا^۷ (۱۹۹۸)، دانیلز^۸ (۲۰۰۴)، گانگیر^۹ (۲۰۰۴)، کتز^{۱۰} (۲۰۰۰)، فري^{۱۱} (۲۰۰۵)، گرو^{۱۲} (۲۰۰۳)، فردریکسون^{۱۳} (۲۰۰۴) و مالون^{۱۴} (۲۰۰۶) است. خلاقیت دانش‌آموزان متولد نیمه اول در پایه‌های دوم و پنجم ابتدایی، پایه سوم راهنمایی و پایه سوم متوسطه نیز به طور معناداری پایین تر از دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال است. این یافته نیز در جهت حمایت از یافته‌های اسچوبنهارت (۱۹۹۷)، تورنس (۱۹۹۸) و نظر افروز (۱۳۷۲) است. سازگاری با خود

۱. Raver
۲. Finn
۳. Hernandez
۴. Holooway
۵. McClelland
۶. McGrand
۷. Narahara
۸. Daniels
۹. Gagnier
۱۰. Katz
۱۱. Fery
۱۲. Graue
۱۳. Fredrikson
۱۴. Malon

در دانش‌آموزان متولد نیمه اول در پایه دوم ابتدایی به طور معناداری پایین تر از پایه دومی‌های متولد شده در نیمه دوم سال است. این یافته نیز در جهت حمایت از یافته‌های وارد^۲ (۱۹۹۹)، گریمز^۳ (۲۰۰۰)، ابلهارت^۴ (۱۹۹۴)، فلدمن^۵ (۲۰۰۵) و استیپک^۶ (۲۰۰۱) است. در پایه‌های دیگر، هر چند بین سازگاری با خود دانش‌آموزان دو گروه سنی تفاوت وجود دارد، و دانش‌آموزان متولد نیمه اول نسبت به دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال با خود سازگارتر هستند، اما از نظر آماری این تفاوت معنادار نیست. در مورد سازش یافتگی اجتماعی در هیچ یک از پایه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نشد. این نتایج یافته‌های گودمن^۷ (۲۰۰۳)، السوسکی^۸ (۲۰۰۲)، لئونارد^۹ (۲۰۰۶) را مورد حمایت قرار نمی‌دهد. هر چند دانش‌آموزان متولد نیمه دوم سال از دانش‌آموزان متولد نیمه اولی سازش یافته تر می‌نمایند، اما تفاوت مشاهده شده از نظر آماری معنادار نیست.

براساس یافته‌های پژوهش نتیجه می‌گیریم که سن ورود به پایه اول دبستان با پیشرفت تحصیلی و میزان خلاقیت دانش‌آموزان رابطه دارد. پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان متولد نیمه اول سال به طور معناداری از متولد نیمه دوم سال کمتر است. همچنین دانش‌آموزان پسری که با سن کمتر (متولد نیمه اول سال) تحصیل خود را آغاز می‌کنند، در مقایسه با دخترها از آموزش بهره کمتری می‌برند. بنابراین به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود که در شیوه پذیرش دانش‌آموزان پسر و دختر در پایه اول دبستان تجدینظر کنند تا تمامی کودکان بتوانند از برنامه‌های آموزشی به طور یکسان سود ببرند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. Warder
۲. Grimes
۳. Ubelhart
۴. Feldman
۵. Stipek
۶. Goodman
۷. Olszewski
۸. Leonard

منابع فارسی

- دبیرخانه شورای عالی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۹) **آیین‌نامه اجرایی مدارس جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات مدرسه
- احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه السادات (۱۳۷۱) **روانشناسی رشد**، نشر بنیاد.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۲) **جهش‌های تحصیلی یا آفرینش‌های ذهنی، استعدادها و درخشان**، دوره دوم، شماره ۱
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۲) **مقدمه‌ای بر روانشناسی کودکان استثنایی**، انتشارات دانشگاه تهران
- امامی‌پور، سوزان (۱۳۸۱) **بررسی تحولات سبک‌های تفکر دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطه آن با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی**، رساله دکتری روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
- بلوم، بنیامین (۱۹۸۲) **ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشی**، ترجمه سیف، علی اکبر (۱۳۶۹) مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- بیلر، رابرت (۱۹۷۴) **کاربرد روانشناسی در آموزش**، ترجمه کدیور، پروین (۱۳۶۹) مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- دلاور، علی (۱۳۸۰) **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، انتشارات رشد
- رهبری، نوریه (۱۳۷۴) **هنجاریابی آزمون سازگاری گریدی برای دانش‌آموزان دبستانی شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا
- سیف، سوسن و جمعی از مؤلفان (۱۳۸۲) **روانشناسی رشد**، انتشارات سمت
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۰) **روانشناسی پرورشی، روانشناسی یادگیری و آموزش**، ویراست نو، انتشارات آگاه
- شریفی، حسن پاشا (۱۳۷۵) **بررسی میزان آمادگی دانش‌آموزان ۶ ساله تا ۶ سال و ۲ ماهه و کمتر از ۶ سال برای بهره‌مندی از آموزش دبستانی**، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۵، ص ۳۱-۴۶
- کوهن، لوئیس؛ هالیدی، میشل (۱۹۹۳) **آمار در علوم تربیتی و تربیت بدنی**، ترجمه دلاور، علی (۱۳۷۲) دانشگاه علامه طباطبایی

منابع انگلیسی

- Arnold (۱۹۹۹) Promoting Academic Success and preventing disruptive behavior disorders through community partnership, Journal of Community Psychology ۲۷ (۵) ۵۸۹-۵۹۸
- Daniels, M.C.: Adair, L.S. (۲۰۰۴) Groth the young Filipino Children predicts schooling trajectories through High School, The American Society for Nutritional Science, June ۲۰۰۴, ۱۴۳۹-۴۹
- Datar, A.(۲۰۰۲) The Impact of changes in Kindergarten Entrance Age Policies on Children's Academic Achievement and the Child Care needs of families, Dissertation, USA.
- Feldman, R.S. (۲۰۰۵) Development across the Life Span, Parentice Hall
- Finn, J.P. (۲۰۰۷) Small Classes in the Early Grades Academic Achievement and Graduating from High School, Journal of Education Psychology, vol, ۷۸. ۲
- Fredrikson, P.: Oeker, B. (۲۰۰۴) Is Early Learning Really more Productive? The Effect of School starting Age on School and Later Market Performance. Conference on Education and Inequality, Uppsala University.
- Fery, N. (۲۰۰۵) Retention, Social Promotion, and Academic Redshirting: When do we know and need to know, Remedial and Special Education, ۳۶ (۶) ۳۳۲-۳۴۶.
- Gagnier, N. (۲۰۰۴) The Socio Academic Impact of Early Entrance to School, Roper Review Spring vol ۳۶ Issue ۳.
- Goodman, R. (۲۰۰۲) Children Psychology Disorder and Relative Age within School year, Retrieved on January, ۱۷, ۲۲۴.
- Graue, M.E.: Kroeger, J.: Brown, C. (۲۰۰۲) The Gift of time, Enactment of Development Thought in Early Childhood Practice, Early Childhood Research and Practice, Spring.
- Grims, J. (۲۰۰۰) School Entrance Age, Student University of North Carolina at Pembroke.
- Gruigeon, A (۱۹۹۷) What is the right age to start kindergarten? Education world, ۹/۲۲/۱۹۹۷.
- Harris, R. (۱۹۹۸) Introduction to Creative Thinking, Virtual Salt, July ۱
- Hernendz, P.: Staff, G. (۱۹۹۷) School Entry Age affects Kindergarten, ۱ st. Grade in Boston, Boston Globe.
- Holloway, J.H. (۲۰۰۲). When Children aren't ready for Kindergarten, Association for Supervision and Curriculum Development's (ASCD) April
- Katz, L. (۲۰۰۰) Academic Redshirting and young children, ERIC Digest
- Lefrancois, G.H. (۱۹۹۸) Psychology for teaching, Wadsworth publishing

Company sith Edition.

- Leonard, S.L. (۲۰۰۰) The Relationship between Age at School Entrance and later need for Remedial Service, University of Wisconsin Stout August, ۲۰۰۰ for the Education Degree.
- Malon, L.M.: West, J.: Flangan, K.D.: Park, J. (۲۰۰۰) The Early Reading and Mathematics Achievement of Children who repeated Kindergarten or who began school a year, Department of Education, National Center for Education Statistics.
- McClelland, M.M.: Morrison, F.J.: Holmes, D.R. (۲۰۰۰) Children at risk for Early Academic problems. The role of Learning Related Social Skills. Early Childhood Research Quarterly, ۱۵ (۳), ۲۰۷-۲۲۹.
- McGronder, Sh.M: Zaslow, M.J.Brooks, J.L.(۲۰۰۲) Impacts of a mandatory Welfare to Work Program on Children at School Early and Beyond, Child Trends, October, Narahara, M. (۱۹۹۸) Kindergarten Entrance Age and Academic Achievement, Information Analyses.
- Olszewski-Kubilius, P. (۲۰۰۲) Thinking about Early Entrance to College, North Western University.
- Raver, C.C. (۲۰۰۳) Young Children's Emotional Development and School Readiness, ERIC Digest.
- Richman, H. (۲۰۰۲) Campaign Ageaint Rasing School Age, P.A.Homschoolers Schweinhart,L.J.: Weikart,D.P. (۱۹۹۷) The High/Scop Preschool Curriculum Comparison study through Age ۲۲, Early Childhood Research Quarterly.
- Seligman, M. (۱۹۷۵) Helplessness, San Francisco W.H. Freeman
- Stipplek, D (۲۰۰۲) At What Age should Children Enter Kindergarten? A Question for policy maker and Parents, Social Policy Report, vol. XVI, N.۲.
- Taylor, A.R. Machida, S. (۱۹۹۶) The contribution of parent and peer support to Head Start children's Early School Adjustment, Early Childhood Research Quarterly, vol.۹.pp.۲۸۷-۶۰۵.
- Torance, E.P. (۱۹۹۸) An interview E.P. Torance: About Creativity, Educational Psychology Review ۱۰, ۶۶۱-۶۵۱.
- Ubelhart,M.: Walkup, P. (۱۹۹۶) Do good Teacher Flunk Kids? NEA today mar warder, K. (۱۹۹۹) Born in December: Ready for School? Report Research (۱۶۲) ERIC.